

Relation between Parent-Child Relationships with Religious Identities among Students: The Moderating Role of Gender

■ Nasrin pakoofteh¹ ■ Sadegh Nasri² ■ Bita Nasrollahi³ ■ Nour Ali Farrokhi⁴





- **Objectives:** This study aimed to investigate relation between parental-child relationships and religious identities among students through the moderating role of gender.
- **Method:** The research method was a descriptive-correlational one. The statistical population included all students of Tehran universities (68800 students) in the academic year 2018-2019. The sample size was 400 people who were selected through the multi-stage cluster sampling method. The tools in this study were the Religious Identity Questionnaire of Solgi et al. (2015), the Parent-Child Relationship Questionnaire of Fine et al. (1983). Hierarchical regression and Z test were used to analyze the data. Data analysis was performed through SPSS-25 software.
- **Findings:** The findings showed that the average scores of women in relations with their fathers and relations with their mothers were higher than men, and there was a significant correlation between religious identity with relations with fathers and relations with mothers. The predictive variables along with the interaction effect of gender with parent-child relationships explain 12% of the variance of religious identity. In the parent-child relationship with religious identity, the male gender has played a more moderating role.
- **Conclusion:** Therefore, it seemed that gender could affect the relation between parent-child relationships and religious identity.

Keywords: parent-child relationship, religious identity, gender

Citation: Nasrin pakoofteh, Sadegh Nasri, Bita Nasrollahi, Nour Ali Farrokhi. (2021). Relation between Parent-Child Relationships with Religious Identities among Students: The Moderating Role of Gender, Applied Issues in Islamic Education, 6(1): 31-52.

Received: 2020/06/11

Accepted: 2021/05/18

1. A Ph.D. Student in Psychology, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.
E-mail: nasrinpakoofteh@yahoo.com.  0000-0002-7774-5807
2. **Corresponding Author:** An Associate Professor, the Department of Educational Sciences, Shahid Rajaei Teacher Training University, Tehran, Iran.
E-mail: sadegh_nasri@yahoo.com.  0000-0002-2471-867x
3. An Assistant Professor, the Department of Psychology, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.
E-mail: Dr.bitanasrollahi@gmail.com.  0000-0002-1102-7001
4. Associate Professor, the Department of Assessment and Measurement, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran.
E-mail: Dfarrokhihoorali@gmail.com.  0000-0002-1873-303x

Paper type:
Research paper

Abstract





رابطه روابط والد فرزندی با هویت‌دینی در دانشجویان: نقش تعدیل‌کننده جنسیت

■ نسرین پاکوفته* ■ صادق نصری** ■ بیتا نصرالهی*** ■ نورعلی فرخی****

چکیده

- هدف: پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه والد فرزندی با هویت‌دینی در دانشجویان با نقش تعدیل‌کننده جنسیت انجام شد.
- روش: طرح پژوهش توصیفی از نوع همبستگی بود. جامعه آماری پژوهش شامل تمام دانشجویان دانشگاه‌های تهران (۶۸۸۰۰ دانشجو) در سال ۹۸-۱۳۹۷ بود که با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای ۴۰۰ نفر به‌عنوان نمونه انتخاب شدند. ابزار مورد استفاده در پژوهش حاضر پرسش‌نامه هویت‌دینی سلگی، دلاور و برجعلی (۱۳۹۴)، پرسش‌نامه روابط والد فرزندی (Fine, Moreland & Schwebel, 1983) بود. جهت تحلیل داده‌ها از روش رگرسیون سلسله‌مراتبی و آزمون Z استفاده شد. تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS-25 انجام شد.
- یافته‌ها: نتایج نشان داد که میانگین نمرات زنان در روابط با پدر و روابط با مادر بالاتر از مردان بوده و بین هویت‌دینی با روابط با پدر و روابط با مادر همبستگی معناداری وجود دارد. متغیرهای پیش‌بین همراه با اثر تعاملی جنسیت با روابط والد فرزندی ۱۲ درصد واریانس هویت‌دینی را تبیین می‌کنند. در روابط والد فرزندی با هویت‌دینی، جنسیت مرد نقش تعدیل‌کننده بیشتری داشته است.



□ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹ / ۰۲ / ۲۸

□ تاریخ دریافت: ۱۳۹۹ / ۰۳ / ۲۳

* دانشجوی دکتری روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران

E-mail: nasrinpakoofteh@yahoo.com. ID 0000-0002-7774-5807

** نویسنده مسئول: دانشیار، گروه علوم تربیتی، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی، تهران، ایران

E-mail: sadegh_nasri@yahoo.com. ID 0000-0002-2471-867x

*** استادیار، گروه روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران

E-mail: Dr.bitanasrolahi@gmail.com. ID 0000-0002--1102-7001

**** دانشیار گروه سنجش و اندازه‌گیری، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

E-mail: farrokhinoorali@gmail.com. ID 0000-0002-1873-303x

- نتیجه گیری: بنابراین به نظر می رسد جنسیت می تواند رابطه روابط والد فرزند با هویت دینی را تحت تأثیر قرار دهد.

واژگان کلیدی: روابط والد فرزند، هویت دینی، جنسیت

مقدمه

هویت و نحوه شکل گیری آن یکی از موضوعات مهم در روان شناسی رشد می باشد (Verschuereen, Rassart, Claes & Luyckx, 2017). کروگر خاطر نشان کرد هویت یک موجودیت مشخص نیست که پس از شکل گیری ثابت بماند بلکه تغییر شرایط زندگی، همراه با تغییر نیازهای بیولوژیکی و روان شناختی باعث پیشرفت هویت در طول دهه های زندگی می شود (Kroger, 2015). هویت دارای جنبه های ایستا و پویا می باشد (Yip, 2014). اخیراً علاقه به ماهیت پویا هویت افزایش یافته است زیرا محققان در تلاش هستند تا زمینه های موقعیتی هویت را مشخص کنند و پیامدهای پویایی هویت را برای سازگاری متقابل فرهنگی درک کنند (Birman, Simon, Chan & Tran, 2014). گروه های مختلف با توجه به جایگاه و شرایط موجود هویت های متفاوتی را ایجاد می کنند و به اشتراک می گذارند که می تواند قابل تعامل بین فرهنگ و جوامع مختلف باشد (Martha, Pennington & Richards, 2016). مفهوم هویت جمعی یکی از مفاهیم اساسی در نظریه پردازی جامعه شناختی است و ناظر بر تعلق فرد به گروه و اجتماعات انسانی می باشد (Polletta & Jasper, 2001). برای بررسی و شناخت هویت جمعی باید ابعاد و عناصر مختلف آن را در نظر گرفت. این ابعاد تصویر روشنی از عضویت و تعلق به یک جمع را نشان می دهد. ابوالحسنی (۱۳۸۸) در سطح هویت جمعی برای هر فرد ابعاد هویتی مشخص کرده که شامل هویت قومی، هویت ملی، هویت دینی و هویت مدرن می باشد. در پژوهش حاضر هویت دینی مورد بررسی قرار گرفته است.

قرآن کریم، آن جایی که از خلقت انسان و اختلافات و تفاوت های صوری و ظاهری آن صحبت می کند این گونه می فرماید: «شما را از یک مرد و زن، خلق نموده و به قبایل گوناگون و مختلف، تقسیم و دسته بندی کردیم تا همدیگر را بشناسید». بعد به رکن اساسی و اصل مهم سرنوشت ساز، که هویت دینی انسان مسلمان را تشکیل می دهد اشاره

کرده و می‌فرماید: «گرامی‌ترین شما در پیشگاه خداوند، با تقواترین شماست». در جاهای مختلف و گوناگون با تعبیر گوناگون، به اصل ذکر شده، اشاره نموده از جمله آنجا که می‌فرماید: «جن و انس را خلق نکرده‌ام جز برای عبادت و بندگی» از پیامبر اکرم (ص) نیز نقل شده که می‌فرماید «ای انسان‌ها، خدای شما یکی است، همه از نسل آدم و آدم نیز از خاک آفریده شده است. برای هیچ عربی بر غیرعرب، فضیلت و برتری وجود ندارد، عزیزترین فرد در پیشگاه خداوند با تقواترین شماست». بنابراین، هويت انسان مسلمان را که در هر کجای عالم خاکی، زیست و زندگی می‌کند، باید در چارچوب مفاهیم بلند اندیشه‌های دینی و مذهبی جست‌وجو و ارزیابی کرد و جوان مسلمان باید برای هويت یابی خود، حضور جهان‌بینی و ایدئولوژی و نقش آن را در زندگی فردی و اجتماعی خود، مدنظر قرار دهد. هويت دینی نوعی از هويت جمعی است که دربرگیرنده باورها، ارزش‌ها و اعتقادات دینی می‌باشد. هويت دینی دست‌یافتن فرد به مجموعه‌ای از اصول و عقاید دینی در گروه‌های مذهبی است، به طوری که این عقاید بخشی از شخصیت فرد می‌باشد و فرد نسبت به آن اعتقاد و شناخت پیدا می‌کند (Keiser, 2015). هويت دینی عنصر برجسته انسجام اجتماعی است. هويت دینی با «ما» یا جامعه دینی مطابقت دارد و نمایانگر احساس تعلق و تعهد نسبت به دین و جامعه دینی است. دین اساساً منابع شناختی، ایدئولوژیکی، جامعه‌شناختی و معنوی را برای هويت فراهم می‌کند (Furrow, King, & White, 2004). بر این اساس دین اساساً در مرکز هويت فردی و گروهی قرار می‌گیرد (Seul, 1999).

بنابراین هويت، لازمه نظام اجتماعی است و هرگونه تاخیر یا انحراف در شکل‌گیری هويت موفق، می‌تواند منجر به پراکندگی یا بحران هويت شود که این عامل می‌تواند سرچشمه بسیاری از ناپهنجاری‌های فردی و اجتماعی باشد. برای پاسخ به این سؤال که چگونه می‌توان فرایند هويت‌یابی را برای رسیدن به یک هويت موفق طی کرد، به طوری که این هويت‌یافتگی بتواند در عرصه تصمیم و موضع‌گیری به شخص کمک کند و او را از تشویش و اضطراب و به‌طور کلی از بحران روانی برهاند؛ راه‌های متعددی پیشنهاد شده است. یکی از راه‌ها در این زمینه، توجه به نقش خانواده و تعاملات خانوادگی است (Pellerone, Spinello, Sidoti & Micciche, 2015). یکی از عوامل مؤثر در شکل‌گیری هويت، خانواده و روابط بین والدین است (فرازی، اسمعیلی، اسکندری و حاتمی، ۱۳۹۷؛ حکمت‌پور و صالحی امیری، ۱۳۹۱). گروتیوانت و آدامز در بررسی نقش خانواده

در رشد هویت به این نتیجه دست یافتند که با تعادل و پیوستگی رابطه اعضای خانواده شکل‌گیری هویت تسهیل می‌شود (Grotevant & Adams, 1983).

خانواده و روابط والدین با فرزندان از مهم‌ترین عوامل در رشد روانی اجتماعی فرزندان محسوب می‌شود (Gallarín & Alonso-Arbiol, 2012). هورر، اوتن، وریز و انگلز معتقدند که رابطه والدفرزندی به ماهیت کلی رابطه بین فرزند و والد در قالب درجات رضایت، تأیید، نزدیکی، ابراز محبت، فراوانی گفتگو، عاطفه بدنی (نوازش)، تجارب عشق، دوستی و تعارض اشاره دارد. کنش متقابل میان والدین و فرزندان که از لحظه پس از تولد شروع می‌شود، اساس رشد روانی اجتماعی کودک را تشکیل می‌دهد و کیفیت این کنش متقابل، در تمام مراحل زندگی تأثیرگذار است (Huver, Otten, Vries & Engels, 2010). پیرس و اکسین به این نتیجه دست یافتند که ارتباط مثبت با پدر و مادر باعث انتقال ارزش‌ها و باورهای مذهبی بین نسل‌ها می‌شود، همچنین رابطه مثبت مادر-فرزند همانندی مذهبی بین مادر و فرزند را افزایش داده و از سوی دیگر هماهنگی مذهبی بین والدین و فرزندان باعث تقویت رابطه والد-فرزندی نیز می‌شود (Pearce & Axinn, 1998). نتایج پژوهش صادقی و مظاهری (۱۳۸۶) نشان داد که ارتباط بهینه والد فرزند در جامعه‌پذیری دینی فرزندان نقش مهمی دارد. مطالعه هانس برگر نیز نشان داد که همسانی عقاید دینی در بین فرزندان با مادران ۴۳٪ و با پدران ۴۸٪ بوده و هر چه کیفیت روابط والدفرزند بهتر باشد توافق در مباحث دینی بیشتر و انتقال و آموزش ارزش‌های دینی نیز بهتر انجام می‌شود (Hunsberger, 1985).

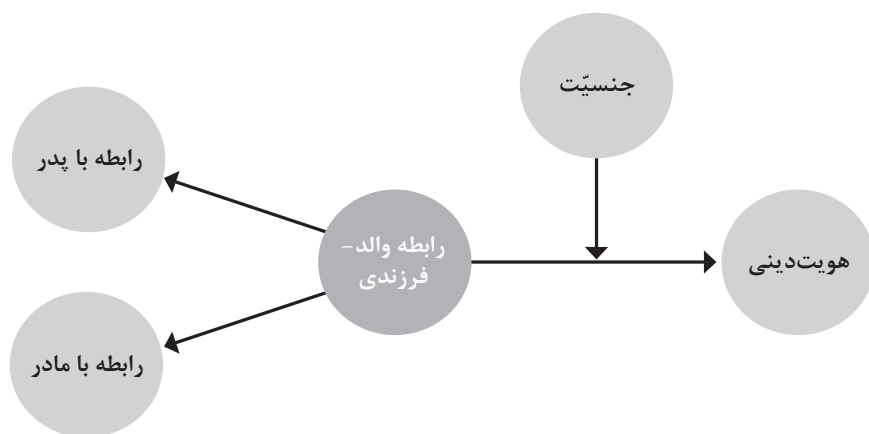
یکی دیگر از متغیرهای مؤثر بر هویت، جنسیت است. پژوهش‌های مربوط به تفاوت‌های جنس در رشد هویت، نتایج بسیار متفاوتی را دربردارد. این گونه تفاوت‌ها در انواع مختلف هویت و میان دو جنس مشاهده می‌شود. به‌عنوان مثال نتایج برخی از پژوهش‌ها نشان می‌دهد که زنان از هویت دینی قوی‌تری نسبت به مردان برخوردار هستند (قنبری بارزانی و همتی، ۱۳۹۴). همچنین رفعت جاه و روح افزا (۱۳۹۱) در پژوهش خود به نقش جنسیت در هویت دینی زنان مسلمان اشاره می‌کنند. نتایج پژوهش میرفردی و ولی‌نژاد (۱۳۹۶) نشان داده است که تفاوت معناداری در دین‌داری (کلی) و همچنین تفاوت معناداری در ابعاد اعتقادی، احساسی و مناسکی دین‌داری زنان و مردان دانشجوی وجود دارد که این تفاوت به نفع زنان می‌باشد. اریکسون بیان می‌کند که رشد هویت برای

مردان و زنان ممکن است کاملاً متفاوت باشند. وی پیشنهاد می‌کند که تفاوت‌های کالبدشناختی در ویژگی‌های فرایند رشد هویت تأثیرگذار هستند (Erikson, 1968). لوونتال معتقد است که به‌طور کلی زنان از مردان دین‌دارتر هستند (Loewenthal, 2001). در بین علل تفاوت‌های جنسیتی نیز نتایج تحقیق میلر و استاک نشان می‌دهد که تئوری گریز ریسک در این زمینه نقش مهمی دارد (Miller & Stark, 2002).

جانسون معتقد است که جنسیت به‌عنوان یک سازه چندبعدی به هنجارها و انتظارات اجتماعی فرهنگی در ارتباط با نقش‌ها، روابط و هویت‌های افراد مرتبط است (Janson, 2009). مطالعات آرچر نشان داد که فرایند و نتایج هویت‌یابی برای دختران و پسران متفاوت است. بنابراین می‌توان گفت که تفاوت‌های جنسی مربوط به تفاوت بین انتظاراتی است که از طریق برخوردهای گوناگون با دختر و پسر از لحظه تولد فرا گرفته می‌شود (Archer, 1985). شوارتز، لویکس و ویگنولز تأکید می‌کنند که برای رسیدن به درکی درست و غنی از مسأله پیچیده هویت، نیاز به استفاده از روش‌های گوناگون و جدید است (Schwartz, Luyckx, & Vignoles, 2011).

در رابطه با اهمیت و ضرورت پژوهش حاضر می‌توان گفت که در گذشته‌های نه چندان دور، هویت هیچگاه به‌عنوان مسأله مهمی به شکل امروز مطرح نبود، زیرا زندگی افراد در مسیرهای تعیین شده که توسط اعتقادات و ارزش‌های سنتی هدایت می‌شد، حرکت میکرد، اما افول منابع هویت‌ساز سنتی و رشد روزافزون و سریع الگوهای هویت‌ساز جدید مثل رسانه‌ها، فناوری‌های اطلاعاتی از سوی دیگر، فرایند نوسازی و توسعه هویت افراد را از خردترین تا کلان‌ترین سطح آن دچار تغییر و دگرگونی نموده (ربانی و رستگار، ۱۳۹۲: ۲) و هویت‌دینی به‌دلیل اهمیت ماهوی و محتوایی اش در جامعه ایران، یکی از مهم‌ترین ابعاد هویتی است که نقش تعیین‌کننده‌ای در هویت‌یابی افراد جامعه ایفا می‌کند و در تعامل با شرایط اجتماعی و طی مراحل متفاوت چرخه زندگی تنوع می‌پذیرد (به نقل از حیدری و رضانی باصری، ۱۳۹۹). همچنین اغلب پژوهش‌ها حاکی از نقش جنسیت در شکل‌گیری هویت می‌باشد. نقش جنسیت به‌عنوان متغیر تعدیل‌کننده در ارتباط روابط والد - فرزندى با هویت‌دینی تاکنون در پژوهش‌ها مورد توجه قرار نگرفته است. به‌دلیل اهمیت تفاوت‌های جنسیتی بررسی این تفاوت‌ها در هویت‌های جمعی ضروری به نظر می‌رسد همچنین در زمینه هویت‌های جمعی مطالعاتی نیازمند است

زیرا حوزه‌های مورد مطالعه تحت عنوان هویت‌های جمعی متنوع و نتایج حاصل از این مطالعات نیز دچار عارضه اختلاف و تفاوت است. زمینه مهم دیگر پژوهش حاضر، اتصال و ارتباط حوزه هویت‌های جمعی با روابط والد-فرزندی و روابط خانوادگی است. کمتر پژوهشی دیده شده که هویت‌های جمعی را با روابط خانوادگی مرتبط ساخته و تأثیر، تأثر و تعامل آنها را با هم کاوش کرده باشد. بنابراین پژوهش حاضر با هدف پاسخ‌گویی به این پرسش که آیا جنسیت به‌عنوان متغیر تعدیل‌کننده، روابط والد-فرزندی و هویت‌دینی را تحت تأثیر قرار می‌دهد؟ مدل مفهومی پژوهش در شکل ۱ آمده است.



شکل ۱. مدل مفهومی پژوهش

مبانی نظری

امروزه بحث هویت و عوامل مرتبط با آن از مهم‌ترین مسائل جامعه می‌باشد. بحران هویت، تعارض هویت، تغییر هویت و مشکلات ناشی از آنها، از جمله مسائلی است که در صورت دست نیافتن به هویتی صحیح و متناسب با ارزش‌ها و هنجارهای مورد قبول جامعه کیفیت زندگی افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهد. از مهم‌ترین ابعاد هویت، هویت‌دینی است، دین (در اینجا مشخصاً دین اسلام) به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های تمدن بشری، نقش اساسی در شکل‌دهی هویت انسان‌ها دارد. همان‌طور که دین تمام ابعاد نگرشی و رفتاری افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهد، دستیابی به هویت‌دینی بر مبنای آموزه‌های الهی نیز، زندگی فردی و جمعی افراد را هدایت می‌کند و سبک زندگی خاصی

را برای فرد ایجاد می‌کند. امروزه پذیرش و گسترش سبک زندگی غربی از مهم‌ترین مشکلات جوامع در حال توسعه و اسلامی است که همین امر خود سبب شکل‌گیری بسیاری از نگرش‌ها و رفتارهای غیراسلامی شده است. با توجه به وقایع جوامع امروزی و پدیده جهانی شده اهمیت بحث در رابطه با هویت دینی از منظر اسلامی افزایش یافته است. بنابراین به‌منظور حفظ ارزش‌های دینی باید به تبیین هویت دینی پرداخت.

هویت دینی مبتنی بر فقه

رهیافت‌های مختلفی برای تبیین هویت دین‌داران وجود دارد که یکی از آنها رهیافت شرعی - حقوقی (فقهی) است. موضوع علم فقه عبارت است از تکلیف و فعل انسان مکلف. فقیه همه موضوعات مختلف که برخی طبیعت روانی فردی و برخی طبیعت اجتماعی، برخی طبیعت قضایی و برخی طبیعت اقتصادی و ... دارد - را با یک رنگ خاص میبیند و آن رنگ «فعل مکلف» است و احکام همه را از یک نوع مبادی استنباط می‌کند. از منظر فقهی، دین‌دار فردی مکلف به اجرای احکام و دستورهای شرعی توصیف شده است. او موظف به عمل به واجبات و اجتناب از محرمات است. کمال و غایت دین‌داری انسان انجام تام و تمام دستورهای شرعی و اهتمام به وظایف و تکالیف شرعی است. اجرای دقیق و صحیح و کامل احکام شرعی که عمدتاً ناظر به ظواهر افعال آدمی است جزء ویژگی‌های انسان متشرع است. وظیفه انسان دین‌دار و هویت دینی او در گرو اطاعت از خالق خود و تسلیم تمام عیار در مقابل اوست. هویت دینی که منحصرأً مبتنی بر فقه است هر چند فرد را متشرع و مقید به احکام، اوامر و نواهی می‌سازد، ضرورتاً بر عمق و غنای تجربه ایمان دینی وی نمی‌افزاید و هنوز مجال رشد و تکامل و بسط رابطه بین انسان و آفریدگارش باقی است. در حوزه شریعت عمل به احکام تفضیلی مذکور برای تحقق هویت دین‌دارانه کفایت می‌کند و بارزترین ویژگی انسان دین‌دار «عمل به احکام» در همان صورت ظاهری است (مطهری، ۱۳۷۶).

هویت دینی مبتنی بر اخلاق

یکی دیگر از رویکردهای شایع تبیین هویت دینی، رهیافت اخلاقی است. به‌طور کلی دو گونه رویکرد اخلاقی در بین متفکران مسلمان شایع و رایج بوده است. رویکرد نخست رویکردی مبتنی بر کتاب و سنت در تبیین ویژگی‌ها و اوصاف انسان دین‌دار است که

می توان آن را رویکرد اخلاق نبوی توصیف نمود. در اینجا سرچشمه جریان حیات بخش اخلاق اسلامی، قرآن کریم، کلمات و کردار پیامبر (ص) و ائمه معصومین (ع) و مجموعه ادعیه ایشان است. گونه شناسی سلوک ائمه و پیامبر هم در نوع تعلیم و تربیت دینی، هم در شیوه و رفتار حکومتی و هم در معاشرت های اجتماعی می تواند به تبیین تصویر نزدیکی یا فاصله داشتن رفتار کنونی مسلمین با الگوی اساسی و اسوه حسنه: (ولکم فی رسول الله اسوه حسنه) کمک نماید. رویکرد دوم به اخلاق اسلامی را می توان در نظریه های اخلاقی فلاسفه مسلمان که عمدتاً تحت تأثیر آراء و اندیشه های فلسفه یونانی به ویژه افلاطون و ارسطو بوده اند، بررسی کرد. در نظریه های اخلاقی فیلسوفان مسلمان نیل به سعادت، خیر عمده تلقی شده است. در واقع مرتبه کمال و شکوفایی انسان دین دار با نیل به سعادت محقق می شود. جهت نیل به این مرتبه از کمال ابزارها، مراحل و روش هایی تعبیه شده است. دین داری آدمی منوط و معطوف به پیمودن مسیر اخلاقی و محقق نمودن ارزش های اخلاقی در وجود آدمی است (بدوی، ۱۳۶۲).

هویت دینی مبتنی بر عرفان

یکی دیگر از گونه شناسی های انسان دینی در فرهنگ اسلامی، گونه شناسی یا رهیافت عرفانی- تجربی است و در این رهیافت انسان دارای مقصد و مبدا تصوّر شده و برای او آرمانی فرض شده است. مجموعه تعالیم و آموزه هایی که برای ساختن انسانی عارف ارائه می شود تشکیل دهنده انسانی با اوصافی متمایز از اوصاف پیرو رهیافت اخلاقی است. مجموعه کوشش های انسان برای نیل به مرتبه عالی انسانی (انسان کامل) و هدف غایی خلقت تشکیل دهنده هویت دینی وی است. در این رهیافت دو رویکرد عمده وجود دارد. رویکرد «عرفان زاهدانه» و «عرفان عاشقانه». امام محمد غزالی نماینده نوع نخستین و جلال الدین رومی معروف به مولوی نماینده رویکرد دوم است. هویت انسان دین دار در نزد غزالی مرکب است از زهدورزی به نحو تام و تمام (غزالی، ۱۳۶۴).

هویت دینی ایدئولوژیک

جدیدترین نوع گونه شناسی دینی، گونه شناسی ایدئولوژیک و محصول دوران معاصر است. در این نگرش به انسان دین دار، هویت و تکالیف او، منزلت اجتماعی و مسئولیت

او به شیوه‌ای متمایز از رویکردهای سابق نگریسته می‌شود. در رهیافت ایدئولوژیک که هویت و شخصیت انسان دین‌دار از منظر برخورداری از ایدئولوژی تبیین و بررسی می‌شود نیز دیدگاه‌های مطرح شده به شکل توصیفی به بیان اوصاف انسانی می‌پردازند که به‌عنوان فرد معتقد به ایدئولوژی اسلامی برخورداری از مجموع فضائل و پروا کننده از معاصی، لغزش‌ها و کژی‌هاست و گاه این اوصاف در قالب بایدها و نبایدها یا چگونه بودن‌ها عرضه می‌شود و مضمون آنها متضمن این معناست که یک دین‌دار در قالب ایدئولوژی اسلامی «باید» چگونه باشد. لب کلام در این رهیافت آن است که انسان با پذیرش دین - مسلمان با پذیرش اسلام - خود به خود به قبول جهان‌بینی اسلامی نیز اقدام می‌ورزد. پذیرش جهان‌بینی لاجرم ضمن ترسیم اصول و قواعد مشی دین‌دار و آیین نامه زندگی او، محدودیت‌ها، قید و بندها، مسئولیت‌ها، تکالیف و وظایفی را نیز بر دوش او می‌گذارد (قطب، ۱۳۵۲؛ شریعتی).

خانواده مکانی است که در آن ارزش‌های اخلاقی، باورهای دینی و به‌طور کلی فرهنگ جامعه به فرزندان منتقل می‌شود. به همین دلیل خانواده مهم‌ترین مکان برای پرورش فرزندان است. در منابع اسلامی پایداری و دوام خانواده در گرو احترام متقابل زوجین، پای‌بندی به حقوق و وظایف یکدیگر، وجود روابط عاطفی پایدار و برخورداری از باور عمیق دینی و نیز عمل براساس آن است، و در این صورت است که سبک زندگی خانواده براساس آموزه‌های دینی و اخلاقیات شکل می‌گیرد و با توجه به نقش الگویی والدین، زمینه برای تحقق تربیت دینی فرزندان و به تبع آن پای‌بندی به ارزش‌های دینی و اخلاقی و عمل براساس آن فراهم می‌شود (بیگدلی و ماهروزاده، ۱۳۹۴). نتایج پژوهش طهماسب‌نژاد و آریین (۱۳۹۹) نشان داد که بین شیوه‌های فرزندپروری با پایگاه هویت دانش‌آموزان رابطه معناداری وجود دارد.

رضائیان و توتونچی (۱۳۹۸) طی پژوهشی نشان دادند که نگرش مذهبی مادر و جهت‌گیری گفت‌ووشنود از الگوی ارتباطی خانواده توان پیش‌بینی هویت دینی فرزندان را دارد. نتایج پژوهش کاظمیان و کریمی (۱۳۹۷) نشان داد که بین هویت اجتماعی نوجوانان دختر و کیفیت رابطه با پدر و رابطه با مادر رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. اما تنها کیفیت ارتباط با پدر توانایی پیش‌بینی هویت اجتماعی نوجوانان دختر را دارد. نتایج پژوهش فرازی و همکاران (۱۳۹۷) تحت عنوان تأثیر آموزش الگوی تعلیمی بر بهبود

روابط والد- فرزند و هویت ملی و دینی نشان داد که آموزش الگوی تعلیمی موجب بهبود روابط والد فرزند می‌شود. همچنین نتایج نشان داد که بهبود روابطی که نتیجه آموزش الگوی تعلیمی بود توانست هویت ملی و دینی فرزندان را تقویت کند. در پژوهشی که توسط عبدالجواد و زهرا انجام شد نتایج نشان داد که هویت دینی به احساس جمعی بودن آن اشاره دارد و بنیانگذاران این هویت اعضای خانواده هستند زیرا این خانواده است که از ارزش‌ها و اعتقادات دینی حمایت می‌کند (Abdeljawad & Zahra, 2019).

روش پژوهش

پژوهش حاضر توصیفی از نوع همبستگی بود. دانشجویان دختر و پسر مشغول به تحصیل در مقاطع کارشناسی، کارشناسی ارشد، دکترای حرفه‌ای و دکترای تخصصی دانشگاه‌های وزارت علوم، تحقیقات و فناوری شهر تهران در سال تحصیلی ۹۸-۱۳۹۷ به‌عنوان جامعه در دسترس، جهت بررسی در نظر گرفته شد. براساس گزارش اعلام شده مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی وزارت علوم در سال تحصیلی ۹۸-۱۳۹۷ تعداد این دانشگاه‌ها ۱۴۱ دانشگاه می‌باشد که حدود ۶۸۸۰۰ دانشجوی در این دانشگاه‌ها مشغول به تحصیل بودند. در این پژوهش از روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای چندمرحله‌ای استفاده شد. به‌منظور انتخاب نمونه مورد نیاز، با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای، پس از تهیه فهرستی کامل از تمامی دانشگاه‌های تحت پوشش وزارت علوم، تحقیقات و فناوری شهر تهران دانشگاه‌های (تهران، امیرکبیر، شهید بهشتی و تربیت مدرس) به‌صورت تصادفی انتخاب شد. با توجه به حجم جامعه و با استفاده از فرمول کوکران حداقل حجم نمونه بایستی ۳۸۱ نفر با توجه به دو جنس در نظر گرفته شود که در پژوهش حاضر ۴۰۰ دانشجو به‌عنوان نمونه انتخاب شدند ولی به‌دلیل همکاری محدودتر دانشجویان مرد، تناسب تعداد دو جنس اتفاق نیفتاد. لازم به ذکر است که ۱۱ پرسش‌نامه به علت عدم پاسخ‌گویی به تمام سؤالات از تحلیل کنار گذاشته شدند.

ابزارهای جمع‌آوری اطلاعات

پرسش‌نامه هویت دینی: در این پژوهش از مولفه هویت دینی پرسش‌نامه سلگی و همکاران (۱۳۹۴) استفاده شد که دارای ۳۴ گویه می‌باشد. پاسخ‌ها در یک طیف لیکرت

۴ درجه‌ای (کاملاً مخالفم، ۱؛ مخالفم، ۲؛ موافقم، ۳ و کاملاً موافقم، ۴) تنظیم شده است. خرده‌مقیاس‌های هویت‌دینی عبارتند از آگاهی (۹ سؤال)، تعلق (۹ سؤال)، تعهد (۹ سؤال) و تحمل (۷ سؤال). سلگی و همکاران (۱۳۹۴) جهت پایاسازی و اعتباریابی این مقیاس ضریب تمیز و روش لوپ را برای هر گویه محاسبه کردند و گویه‌های پرسش‌نامه مناسب تشخیص داده شد و ضریب آلفای این ابزار را ۰/۹۶ گزارش داده‌اند. در پژوهش حاضر ضریب آلفای کرونباخ محاسبه و برای هویت‌دینی ۰/۹۴ به‌دست آمد.

● **پرسش‌نامه روابط والد- فرزندى (PCRS):** مقیاس رابطه والد- فرزندى برای اولین بار توسط فاین و همکاران برای سنجیدن کیفیت رابطه والد- فرزند تهیه شده است (Fine et al, 1983). این ابزار توسط باقری و غفاری جعفرزادگان (۱۳۹۲) در ایران هنجاریابی شد. این پرسش‌نامه شامل ۴۸ سؤال (۲۴ سؤال برای رابطه با پدر و ۲۴ سؤال برای رابطه با مادر و یکی هم برای سنجیدن رابطه ی فرزند با پدر) می‌باشد که پاسخ‌ها در یک طیف لیکرت ۷ درجه‌ای از ۱ (خفیف) تا ۷ (شدید) تنظیم شده است. ماده‌های ۹، ۱۳، ۱۴ این مقیاس به‌صورت معکوس نمره‌گذاری می‌شوند. بالاترین نمره‌های که فرد در این پرسش‌نامه می‌تواند اخذ کند ۳۳۶ و پایین‌ترین نمره ۴۸ می‌باشد. در این مقیاس نمره بالاتر نشان‌دهنده رابطه خوب و مطلوب با پدر و مادر است و نمره پایین نشان‌دهنده ارتباط کم با والدین و تعارض با والدین است. در پژوهش فاین و همکاران ضریب پایایی این خرده‌مقیاس‌ها را با استفاده از روش آلفای کرونباخ به‌دست آوردند. این پژوهشگران ضرایب آلفای کرونباخ برای کل پژوهش مقیاس را ۰/۹۶ گزارش داده‌اند که نشان‌دهنده همسانی درونی خوبی است. همچنین در پژوهش فاین و همکاران برای تعیین روایی این مقیاس از روش تحلیل عامل تأییدی استفاده شده است. نتایج تحلیل عامل تأییدی ارتباط بالا و خوبی بین ماده‌ها را نشان داده است (Fine et al, 1983). در پژوهش علی‌قلیان (۱۳۸۷) ضرایب پایایی محاسبه شده برای پرسش‌نامه فرم پدر برابر با ۰/۹۳ و برای فرم مادر ۰/۹۲ بوده است. در پژوهش حاضر ضریب آلفای کرونباخ رابطه با پدر ۰/۹۳ و رابطه با مادر ۰/۹۲ به‌دست آمد.

یافته‌ها

جدول ۱، میانگین و انحراف معیار متغیرهای پژوهش برحسب جنسیت را نشان

می‌دهد.

۴۲

جدول ۱. میانگین و انحراف معیار متغیرهای پژوهش به تفکیک جنسیت

زنان (n=۲۴۷)		مردان (n=۱۴۲)		متغیرها
انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین	
۲۶/۷۵	۱۲۰/۹۴	۲۵/۱۴	۱۱۴/۰۵	رابطه با پدر
۲۲/۸۹	۱۳۱/۳۵	۲۲/۰۱	۱۳۰/۶۵	رابطه با مادر
۱۹/۵۴	۸۸/۰۴	۱۹/۱۱	۸۳/۲۸	هویت‌دینی

نتایج جدول ۱ نشان می‌دهد که در متغیرهای روابط والدی یعنی رابطه با پدر و مادر زنان نمرات بالاتری گزارش کرده‌اند. میانگین نمرات زنان در هویت‌دینی بالاتر از مردان بود. در جدول ۲ نتایج آزمون کلموگروف - اسمیرنوف برای توزیع به‌هنگار داده‌ها آمده است.

جدول ۲. نتایج آزمون کلموگروف - اسمیرنوف

سطح معناداری	مقدار Z	متغیرها
۰/۲۸	۰/۰۷۹	رابطه با پدر
۰/۱۲	۰/۱۱۵	رابطه با مادر
۰/۱۴	۰/۱۰۳	هویت‌دینی

مطابق با نتایج جدول ۲ مقادیر Z به دست آمده در سطح $0/05$ معنادار نیست و حاکی از توزیع نسبتاً نرمال داده‌های مربوط به متغیرهای پژوهش می باشد. ماتریس همبستگی متغیرها در جدول ۳ نشان داده شده است.

جدول ۳. ضرایب همبستگی متغیرهای مورد مطالعه

متغیر	۱	۲	۳	۴
رابطه با مادر	۱			
رابطه با پدر	۰/۴۷۴	۱		
هویت دینی	۰/۵۷	۰/۱۹	۱	
	۰/۰۰۱	۰/۰۴۳	۰/۰۰۱	

نتایج جدول ۳ نشان می دهد که بین هویت دینی با رابطه با پدر و رابطه با مادر همبستگی مثبت و معناداری وجود دارد. برای آزمون نقش تعدیل کننده جنسیت در روابط بین والد - فرزندی و هویت دینی از رگرسیون سلسله مراتبی استفاده شد. در جدول ۴ نتایج رگرسیون مربوط به متغیرهای پیش بین و تعدیل کننده در ارتباط با هویت دینی آمده است.

جدول ۴. خلاصه مدل رگرسیون متغیرها بر هویت دینی دانشجویان

ردیف	متغیر پیش بین	همبستگی (R)	مجذور همبستگی (R^2)	R^2 تعدیل شده	انحراف استاندارد برآورد (SE)	دوربین واتسون
۱	رابطه با پدر رابطه با مادر جنسیت	۰/۱۶۵	۰/۰۳۷	۰/۰۲۰	۱۹/۳۰۲	
۲	جنسیت × رابطه با پدر جنسیت × رابطه با مادر	۰/۳۴۴	۰/۱۱۸	۰/۱۰۷	۱۸/۴۲۳	۱/۶۶۵

جدول ۴ نشان می‌دهد که در مرتبه اول، همبستگی روابط والدی و جنسیت با هویت دینی دانشجویان برابر ۰/۱۶۵ و مجذور همبستگی آن ۰/۳۷ است. به عبارت دیگر، در مدل ۱، متغیرهای رابطه با پدر، رابطه با مادر و جنسیت ۴ درصد از تغییرات هویت دینی دانشجویان را پیش‌بینی می‌کند. در مدل ۲ با اضافه شدن نقش تعاملی جنسیت با روابط والدفرزندی همبستگی چندگانه به ۰/۳۴۴ و مجذور آن ۰/۱۱۸ افزایش پیدا کرده است و تبیین واریانس هویت دینی به ۱۲ درصد رسید. جدول ۵، آزمون تحلیل واریانس برای معناداری مدل را نشان می‌دهد.

جدول ۵. آزمون تحلیل واریانس مدل رگرسیون متغیرها بر هویت دینی دانشجویان

سطح معناداری	F	میانگین مجذورات MS	درجه آزادی dF	مجموع مجذورات SS	منبع تغییرات	۳
۰/۰۱۴	۳/۶۰۰	۱۳۴۱/۲۳۸	۳	۴۰۲۳/۷۱۳	رگرسیون	۱
		۳۷۲/۵۷۱	۳۸۵	۱۴۳۴۹/۶۹۶	باقی مانده	
			۳۸۸	۱۴۷۴۶۳/۴۰۹	جمع	
۰/۰۰۰۱	۱۰/۲۸۷	۳۴۹۱/۶۵۶	۵	۱۷۴۵۸/۲۷۹	رگرسیون	۲
		۳۳۹/۴۳۹	۳۸۳	۱۳۰۰۰۵/۱۳۰	باقی مانده	
			۳۸۸	۱۴۷۴۶۳/۴۰۹	جمع	

با توجه به نتایج جدول ۵، متغیرهای وارد شده در مدل رگرسیون، در مدل اول ($F_{۳,۳۸۵} = ۳/۶۰۰$ و $P < ۰/۰۱۴$) مجذور R تعدیل شده و $F_{۳,۳۸۵} = ۳/۶۰۰$ مدل معناداری به دست آمده است. با توجه به معناداری مقدار F، ضریب همبستگی چندگانه در مدل اول معنادار می‌باشد. در مدل دوم ($F_{۵,۳۸۵} = ۱۰/۲۸۷$ و $P < ۰/۰۰۰۱$) مجذور R تعدیل شده و $F_{۵,۳۸۵} = ۱۰/۲۸۷$ مدل معناداری به دست آمده است. در مجموع با توجه به معناداری مقدار F، ضریب همبستگی چندگانه در مدل دوم نیز معنادار می‌باشد. جدول ۶ ضرایب رگرسیون مدل برای هویت دینی را نمایش می‌دهد.

جدول ۶. ضرایب رگرسیون انواع متغیرها بر هویت دینی دانشجویان

سطح معناداری	مقدار t	ضرایب استاندارد (β)	SE	ضرایب رگرسیون (B)	متغیرها	۳
۰/۰۰۰۱	۱۰/۴۷۵		۶/۷۹۷	۷۱/۱۹۶	مقدار ثابت	۱
۰/۱۲۳	۱/۵۴۶	-۰/۰۸۹	۰/۰۴۳	-۰/۰۶۶	رابطه با پدر	
۰/۰۲۶	۲/۲۳۹	۰/۱۲۸	۰/۰۴۹	۰/۱۱۱	رابطه با مادر	
۰/۰۱۳	۲/۵۰۴	۰/۱۲۷	۲/۰۵۲	۵/۱۳۹	جنسیت	۲
۰/۰۶۰	۱/۸۸۸		۲۰/۷۰۵	-۳۹/۰۹۰	مقدار ثابت	
۰/۰۰۰۱	۳/۷۲۳	۰/۷۷۱	۰/۱۵۳	۰/۵۷۱	رابطه با پدر	
۰/۰۲۶	۲/۲۳۴	۰/۴۵۳	۰/۱۷۶	۰/۳۹۲	رابطه با مادر	
۰/۰۰۰۱	۵/۹۸۲	۱/۷۹۵	۱۲/۱۳۲	۷۲/۵۷۵	جنسیت	
۰/۰۰۰۱	۴/۳۵۲	-۱/۴۹۶	۰/۰۸۸	-۰/۳۸۲	جنسیت × رابطه با پدر	
۰/۰۸۲	۱/۷۴۵	-۰/۶۷۳	۰/۱۰۱	-۰/۱۷۶	جنسیت × رابطه با مادر	

با توجه به نتایج جدول ۶، در مدل اول رابطه با مادر و جنسیت به شکل مثبت و معنادار هویت دینی دانشجویان را پیش بینی می کند. در مدل دوم، رابطه با پدر، رابطه با مادر و جنسیت به طور مثبت و اثر تعاملی جنسیت و رابطه با مادر به طور منفی هویت دینی را در دانشجویان مورد پیش بینی قرار می دهند. در مجموع می توان گفت که جنسیت در ارتباط بین روابط والد فرزندى و هویت دینی در دانشجویان نقش تعدیل کننده ایفا می کند. برای تعیین این نقش در دانشجویان مرد و زن از آزمون Z مقایسه دو ضریب همبستگی چنگانه استفاده شد. نتایج در جدول ۷ آمده است.

جدول ۷. مقایسه ضرایب همبستگی چندگانه در دو جنس با استفاده از آزمون Z

سطح معناداری	مقدار Z	دانشجویان مرد		دانشجویان زن		متغیرها
		ZR	R	ZR	R	
۰/۰۵	۲/۰۸	۰/۴۶۶	۰/۴۳۵	۰/۲۵۰	۰/۲۴۶	هویت دینی

بر اساس نتایج جدول ۷ تفاوت ضرایب همبستگی برای متغیر ملاک یعنی هویت مذهبی در سطح ۰/۰۵ خطا معنادار بوده است. بدین معنا که در روابط والد فرزندی با هویت دینی جنسیت مرد نقش تعدیل کننده بیشتری داشته است.

بحث و نتیجه گیری

در پی دست یابی به دو هدف اصلی این مقاله یعنی بررسی رابطه والد فرزندی و شکل گیری هویت دینی نتایج نشان داد که بین رابطه با پدر و رابطه با مادر و شکل گیری هویت دینی همبستگی مثبت و معناداری وجود دارد که این یافته با نتایج پژوهش کاظمیان و کریمی (۱۳۹۷)؛ صادقی و مظاهری (۱۳۸۶) همخوان می باشد. در تبیین این یافته می توان گفت که مبحث هویت های جمعی به عنوان یکی از اساسی ترین و جدیدترین مباحث عصر مدرن می باشد. بر این اساس هویت و بالاخص بعد مذهبی آن را می توان مهم ترین مبنای همبستگی و انسجام ملی و در نتیجه کنش جمعی یک ملت دانست. مقوله هویت منسجم افراد، نخستین گام در جهت توسعه یک جامعه محسوب می شود. در همین راستا چنانچه نظامی بتواند بحران این بخش (بخش هویتی افراد جامعه) را به گونه ای منطقی و موفقیت آمیز پشت سر گذارد، می تواند ادعا کند که به توسعه رسیده است. بر اساس نظر بلومر خانواده می تواند بستر مناسبی برای پرورش یک جو صمیمی و بالنده باشد. نوع سبک فرزند پروری، درجه حمایت خانواده از فرزندان و دادن استقلال عمل به آنان در شکل گیری هویت نوجوانان و جوانان تأثیرگذار است. همچنین ساختار سالم خانواده ها سازگاری نوجوانان و به تبع آن سبک هویتی سالم را در پی خواهد داشت. بنابراین در چنین محیطی نوجوانان شروع به درک خود به عنوان یک عامل فعال، مسئول

موفقیت‌ها یا شکست‌های خود و ارزیابی انتخاب‌ها به‌عنوان نتیجه پردازش مستقل می‌کند. در این مرحله، حمایت والدین نقش اساسی در فرایندهای هویت استقلال دارد، به‌طور خاص، یک رابطه دلبستگی ایمن با والدین به نوجوان این امکان را می‌دهد که نزدیکی عاطفی را تجربه کند، قوانین و ارزش‌های والدینی را درونی کند (Pellerone et al, 2015). هدف دوم پژوهش در رابطه با تعدیل‌گری نقش جنسیت در رابطه والد فرزندى و شکل‌گیری هویت دینی انجام شد که نتایج نشان داد که متغیرهای پیش‌بین با اثر تعاملی جنسیت ۱۲ درصد واریانس هویت دینی را تبیین می‌کنند. این یافته با نتایج پژوهش فرازی و همکاران (۱۳۹۷) و حکمت‌پور و صالحی امیری (۱۳۹۱) همخوان می‌باشد. همچنین در پژوهش پیرس و اکستین و هانسبرگر نیز نتایج مشابهی با نتایج پژوهش حاضر به‌دست آمد (Hunsberger, 1985; Pearce & Axinn, 1998).

شناخت متغیرهای مرتبط با خانواده می‌تواند به درک بهتری از مفهوم کلی خانواده کمک کند. از جمله این متغیرها می‌توان به نحوه تعامل و الگوهای ارتباطی میان والدین با یکدیگر و والدین با فرزندان اشاره کرد. در خانواده‌هایی که والدین پای‌بندی بالایی نسبت به مؤلفه‌های دینی دارند جوانان و نوجوانان آنها نیز از هویت دینی قوی‌تری برخوردار هستند. وقتی کیفیت رابطه والد - فرزند بهبود پیدا می‌کند آمیزش پدانه از ابعاد رابطه پدر فرزند و عاطفه مثبت، ارتباط گفت و شنود از ابعاد رابطه مادر فرزند افزایش پیدا کرده در نتیجه بهتر می‌توانند با مادر خود ارتباط مثبتی برقرار کرده و از طرفی احساسات و عواطف مثبت نسبت به مادر داشته باشند (فرازی و همکاران، ۱۳۹۷). گروتیانت و آدامز معتقدند درجه متوسطی از پیوستگی که از طریق عاطفه مشترک و پذیرش فردیت منعکس می‌شود، پایه و اساس امنیت روانی برای شروع فرایند جست‌وجوی هویت را فراهم می‌کند. در مقابل، تصوّر می‌شود که پیوند عاطفی ضعیف با والدین و سطوح ارتباطی ضعیف، که با طرد یا عقب‌نشینی روانی منعکس می‌شود، یک پایه روانی ناامن یا محدود شده برای خود اکتشافی فراهم می‌کند (Grotevant & Adams, 1983). از آنجایی که نوجوانان و جوانان قابلیت‌های مناسب جهت برقراری ارتباط درست و مؤثر را با دیگران به‌ویژه والدین پیدا می‌کنند می‌توانند با درک روشنی از شرایط و آگاهی نسبت به نقاط قوت خود و مهارت‌های مقابله‌ای خود را برای رویارویی با مشکلاتی از قبیل بحران دینی به‌ویژه در عصر حاضر که با تحولات ناشی از

جهانی شدن روبه‌رو است آماده کنند. با فراهم شدن جو خانوادگی مبتنی بر پذیرش و همدلی ارتباط بهتر و مناسب با والدین برقرار می‌شود و از این طریق زمینه برای ایجاد هویت دینی فراهم می‌شود. بنابراین تعاملات فرزند با والدین و میزان صمیمت والدین و فرزندان در میزان هویت دینی فرزندان مؤثر است. تقویت تعاملات بین والدین و فرزندان نقش مهمی در افزایش تعهد نسبت به اجتماع دینی و افزایش هویت دینی نوجوانان و جوانان دارد. در پژوهش حاضر همچنین نتایج نشان داد که میانگین نمرات هویت دینی در زنان بالاتر از مردان است. در تبیین این یافته می‌توان گفت که علی‌رغم تحقیقات مختلف که نشان‌دهنده دین‌داری تر بودن زنان نسبت به مردان است این تفاوت‌ها، بسته به فرهنگ و سنت هر دین متفاوت خواهد بود. سنت‌های مذهبی در هر دین یا مذهب، میان زنان و مردان در تعهدات و وظایف دینی مانند نماز خواندن و... تفاوت‌هایی ایجاد می‌کند. در جمع‌بندی نتایج پژوهش حاضر می‌توان گفت که اریکسون معتقد است که هر عامل رشدی که به نوجوانان و جوانان کمک کند تا با اطمینان درک کند که از دیگران متمایز است و در حد معقولی ثبات و یکپارچگی دارد، در طول زمان تداوم دارد و خود را شبیه به آن چیزی که دیگران درک می‌کنند، سبب می‌شود احساس هویت کامل ایجاد شود و هر عامل که در این استنباط خلل ایجاد کند باعث سردرگمی هویت و ناتوانی در مقابل یکپارچگی و تداوم می‌شود (Erikson, 1968). باید توجه داشت که هماهنگی جنسیت والد و فرزند در خانواده در ارتباط با بیان مسائل می‌تواند بسیار حائز اهمیت باشد. بدین معنی که بیان و موشکافی همه مسائل و موارد و ذکر اهمیت آن از سوی مادر، منطقی و شدنی نیست و پدران در این مورد می‌توانند بسیار مثرتر باشند. بدین ترتیب بیان اطلاعات از سوی والدین برای دختران و پسران می‌تواند تأثیر بیشتری داشته و نتایج بهتری به همراه داشته باشد. یکی از محدودیت‌ها در خصوص جامعه آماری پژوهش می‌باشد تعداد دانشجویان زن و مرد در ابتدای نمونه‌گیری یکسان در نظر گرفته شد ولی به دلیل همکاری محدودتر دانشجویان مرد، تفاوت بین تعداد دو جنس اتفاق افتاد این مسئله به‌عنوان یک محدودیت در پژوهش حاضر مطرح می‌باشد. با توجه به نتایج پژوهش پیشنهاد می‌شود که متغیرهایی مانند تحصیلات و وضعیت اقتصادی-اجتماعی در پژوهش‌های آینده به‌عنوان متغیر کنترل در نظر گرفته شود همچنین در پژوهش‌های آینده از مصاحبه کیفی جهت جمع‌آوری اطلاعات استفاده شود. در پایان نیز پیشنهاد

می‌شود برنامه‌هایی به‌منظور تقویت اطلاعات خانواده‌ها در زمینه هویت دینی ارائه شود که در نهایت امر این مسئله می‌تواند منجر به تقویت هویت دینی در خانواده منجر شود. همچنین بهتر است نهادهایی همچون وزارت فرهنگ و ارشاد، سازمان ملی جوانان، نظام آموزش و پرورش برنامه‌های متنوع و جذابی را برای نوجوانان و جوانان و خانواده‌های آنها در رابطه با مسائل دینی طراحی کنند و زمینه مشارکت خانواده‌ها و فرزندان را در این برنامه‌ها فراهم سازند.

تشکر و قدردانی

بدین‌وسیله از تمام عزیزانی که به نحوی در انجام این پژوهش همکاری کردند، تشکر و قدردانی می‌شود. این مقاله برگرفته از رسالهٔ دکترای دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات تهران است.

- ابوالحسنی، سیدرحیم (۱۳۸۸). سازگاری هویت‌ها در فرهنگ ایرانی، *فصلنامه سیاست*، ۳۹(۲)، ۲۳-۵۰.
- باقری، فریبرز و غفاری جعفرزادگان، فیروزه (۱۳۹۲). بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی (روایی و پایایی) و مدل نظری پرسش‌نامه الگوی ارتباط والد فرزند در افراد ۱۵ تا ۳۰ سال شهر تهران. *فصلنامه اندازه‌گیری تربیتی*، ۱۲(۴)، ۴۱-۷۰.
- بدوی، عبدالرحمن (۱۳۶۲). «ابن مسکویه»، *تاریخ فلسفه در اسلام*، م.م. تهران: انتشارات شریف، جلد اول.
- بیگدلی، زهرا و ماهروزاده، طیبه (۱۳۹۴). تأثیر سبک‌های تربیتی والدین بر انجام اعمال عبادی فرزندان. *مدیریت و برنامه‌ریزی در نظام آموزشی*، ۸(۱)، ۳۰-۹.
- حکمت‌پور، مریم و صالحی امیری، سیدرضا (۱۳۹۱). بررسی تأثیر نقش خانواده در حفظ هویت ملی و دینی جوانان (مطالعه مورد منطقه او۵ شهر تهران)، *مجله مدیریت فرهنگی*، ۶(۱۸)، ۵۹-۵۰.
- حیدری، آرمان و رضائی بصری، عباس (۱۳۹۹). بررسی رابطه استفاده از اینترنت، برنامه‌های شبکه‌های ماهواره‌ای و هویت‌دینی دانش‌آموزان. *مجله مسائل کاربردی در تعلیم و تربیت اسلامی*، ۱(۱۰)، ۳۹-۶۰.
- ربانی، علی و رستگار، یاسر (۱۳۹۲). تحلیلی بر وضعیت هویت ملی و ابعاد شش‌گانه آن در بین شهروندان شهر اصفهان. *فصلنامه جامعه‌شناختی کاربردی*، ۲۴(۲)، ۲۰-۱.
- رضائیان، حمید و توتونچی، بهاره (۱۳۹۸). پیش‌بینی هویت‌دینی فرزندان براساس الگوهای تعاملی خانواده، دین‌داری والدین و تفکر انتقادی نوجوان، *مطالعات زن و خانواده*، ۷(۳)، ۱۱۲۸-۱۰۹.
- رفعت‌جاه، مریم و روح‌افزا، فائزه (۱۳۹۱). مطالعه عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر نگرش به هویت دینی زن مسلمان. *مجله علمی پژوهشی مسائل اجتماعی ایران*، ۳(۲)، ۹۲-۶۱.
- سلگی، محمد؛ اسکندری، حسین؛ دلاور، علی و برجلی، احمد (۱۳۹۴). ساخت، پایاسازی و اعتباریابی آزمون هویت ملی و اجتماعی، *مجله اندازه‌گیری تربیتی*، ۲۰(۵)، ۹۵-۵۴.
- شریعی، علی (۱۳۶۱). *مجموعه آثار ۲۴*. تهران: انتشارات الهام.
- صادقی، منصوره السادات و مظاهری، علی (۱۳۸۶). کیفیت ارتباط والد فرزند پیش شرط تربیت‌دینی فرزندان، *خانواده پژوهشی*، ۳(۹)، ۴۹۰-۴۷۱.
- علی‌قلیان، علیرضا. (۱۳۸۷). نقش خانواده، مدرسه، همسالان و رسانه‌های گروهی در رفتارهای انحرافی نوجوانان پسر، *مجله دانش و پژوهش در روان‌شناسی کاربردی*، ۱۱(۱۲)، ۷۴-۴۵.
- غزالی، محمدبن محمد (۱۳۶۴). *احیاء علوم‌الدین*. مویالدین محمد خوارزمی. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- طهماسب‌نژاد، صبورا و آرین، خدیجه (۱۳۹۹). بررسی رابطه بین شیوه‌های فرزندپروری مادران با پایگاه هویت و دین‌داری دانش‌آموزان دختر دوره متوسطه دوم. *مجله مسائل کاربردی در تعلیم و تربیت اسلامی*، ۵(۳)، ۱۰۰-۸۳.
- فرازی، فریبا؛ اسمعیلی، معصومه؛ اسکندری، حسن و حاتمی، محمد (۱۳۹۷). تأثیر آموزش الگوی تعلیمی بر روابط والد-فرزند و هویت ملی و دینی، *فصلنامه پژوهش در نظام‌های آموزشی*، ۱۲(۴۱)، ۴۷-۲۷.
- قطب، محمد (۱۳۵۲). *آیا ما مسلمان هستیم*. ترجمه سیدجعفر طباطبایی. تهران: انتشارات آسیا.
- قنبری بارزانی، علی و همتی، رضا (۱۳۹۴). هویت‌دینی در جامعه ایرانی: مرور نظام‌مند مطالعات انجام شده (۱۳۸۰-۱۳۹۳). *مجله جامعه‌شناسی کاربردی*، ۲۶(۵۹)، ۱۳۸-۱۱۷.
- کاظمیان، سمیه و کریمی، مریم. (۱۳۹۷). رابطه هویت اجتماعی با کیفیت روابط والد فرزند در بین دانش‌آموزان دختر دوره دوم دبیرستان: بررسی مقایسه‌ای نقش پدران و مادران، *فصلنامه فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی*، ۳۴(۹)، ۱۱۸-۱۰۳.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۶). *آشنایی با علوم اسلامی*. جلد سوم: اصول فقه- فقه. تهران: صدرا.
- میرفردی، اصغر و ولی‌نژاد، عبدالله (۱۳۹۶). نقش تفاوت‌های جنسیتی در ابعاد هویت ملی: مطالعه موردی دانشجویان دانشگاه یاسوج. *مطالعات ملی*، ۶۹(۱)، ۱۳۳-۱۱۹.

REFERENCES

- Abdeljawad, S. G., & Zahra, S. A. (2019). *Family Firms' Religious Identity and Strategic Renewal*. *Journal of Business Ethics*. doi:10.1007/s10551-019-04385-4.
- Archer, S.L. (1985). Career and/or family: The identity process for adolescent girls. *Youth & Society*, 16(3), 289-314. doi.org/10.1177/0044118x85016003003.
- Birman, D., Simon, C.D., Chan, W.Y. & Tran, N. (2014). A life domains perspective on acculturation and psychological adjustment: A study of refugees from the former Soviet Union. *American Journal of Community Psychology*, 53(1-2),60-72. doi: 10.1007/s10464-013-9614-2.
- Erikson, E.H. (1968). *Identity: Youth and crisis*. New York, NY: W.W. Norton & Company.
- Fine, M.A, Moreland, J.R, Schwebel, A.I.(1983). Long-term effects of divorce on parent-child relationships, *Developmental Psychology*, 19, 703-713.
- Furrow, J.L. King, P.E. & White, K. (2004) "Religion and Positive Youth Development: Identity, Meaning, and Prosocial Concerns". *Applied Developmental Science*, 8, 17–26.
- Gallarín, M., & Alonso-Arbiol, I. (2012). Parenting practices, parental attachment and aggressiveness in adolescence: A predictive model, *Journal of adolescence*, 35 (6), 1601-1610.
- Grotevant, H.D.& Adams,G.R.(1983). Ego identity and intimacy status: replication and extension, *Dev.Psychol*, 19, 839-845.
- Hunsberger, B. (1985). Parent- university Student agreement on religious and non-religious issues. *Journal for the Scientific Study of Religion*, 24, 314-320.
- Huver, R.M., Otten, R., Vries, H., & Engels, R.C. (2010). Personality and parenting styles in parents of adolescents. *Journal of Adolescence*, 33(3), 395-402.
- Johnson, D. W. (2009). *Reaching out: Interpersonal effectiveness and self-actualization (10th ed.)*. Boston: Allyn & Bacon.
- Keiser, S.H. (2015). Religious identity and the perception of linguistic difference: The case of Pennsylvania German. *Language & Communication*, 42(0), 125-134.
- Kroger, J.(2015). *Identity development through adulthood: The move toward "wholeness."*. The Oxfordhandbookofidentitydevelopment65-80.DOI:10.1093/oxfordhb/9780199936564.013.004.
- Loewenthal, K.M. (2001) Are women more religious than men? Gender differences in religious activity among different religious groups in the UK. *personality and individual differences*, 32, 139 – 133
- Martha, C. Pennington, Jack C. Richards.(2016). Teacher identity in language teaching: Integrating personal, contextual, and professional factors. *social and behavioural science and coronavirus: insights & tips journal*, 47(1),5-23. <https://doi.org/10.1177/0033688216631219>.
- Miller, A, Stark, R. (2002) "Gender and Religiousness : Can Socialization Explanations be Saved ?" *American Journal of Sociology*, 107, 1399 – 1423.
- Pearce, L. D., & Axinn, W. G. (1998). The Impact of Family Religious Life on the Quality of Mother-Child Relations. *American Sociological Review*, 63(6),810-828. URL: <http://www.jstor.org/stable/2657503>.
- Pellerone, M., Spinello, C., Sidoti, A., & Micciche, S. (2015). Identity, Perception of Parent-

- adolescent Relation and Adjustment in a Group of University Students. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 190, 459–464. doi: 10.1016/j.sbspro.2015.05.026.
- Polletta, F., & Jasper, J. M. (2001). Collective identity and social movements. *Annu. Rev. Sociol.*, 27, 283–305.
- Schwartz, S. J., Luyckx, K., & Vignoles, V. L. (Eds.). (2011). *Handbook of Identity Theory and Research*. New York: Springer.
- Seul, J.R. (1999) “Religion, Identity and Integration Conflict”, *Psychological Issues*, 36, 5, 556.
- Verschueren, M., Rassart, J., Claes, L., & Luyckx, K. (2017). Identity statuses throughout adolescence and emerging adulthood: A large scale study into gender, age, and contextual differences, *Psychologica Belgica*, 57(1), 32–42. <https://doi.org/10.5334/pb.384>.
- Yip, T. (2014). Ethnic identity in everyday life: The influence of identity development status. *Child Development*, 85(1), 205-19. doi: 10.1111/cdev.12107.